

Persian transcript:

محسن: آیا خوزستان رقص خاصی داره [دارد]؟ یا موسیقی خاصی داره؟

آزیتا: بله. چون اقوام مختلفی تو خوزستان هستند، هر کدامون [کدام شان/کدام آن ها] یه [یک] موسیقیایی [موسیقی های] خاص خودشون [خودشان] رو [را] دارن [دارند]. مثلاً ما که بختیاری هستیم یه موسیقی سنتی ی خاص خودمون [خودمان] رو داریم، که بهش [به آن] می گن [می گویند] شمال؛ اون [آن] وقت ساز... و بهش می گن... یه ساز داره و یه دهل؛ ساز یه چیزیه [چیزی است] مثل، چه جوری بگم [بگویم]، مثل یه حالت شیپور دراز رو داره و دهل هم که یه طبل خیلی گنده است که با چوب می زنن [می زنند] بهش؛ اون هم برای عروسی ها اون هست، هم برای عزا. منتهای آهنگ عروسیا [عروسی ها] با آهنگ های عزا فرق می کنه [می کند]. آهنگ های عروسی، خب شاده [شاد است] و چیزه [چیز است]، ولی آهنگ هایی که برای عزاداری می آن [می آیند] آن ها، نوازنده ها، می زنن [می زنند]، خب غمگینه [غمگین است] و مرثیه داره. خیلی عروسیای بختیاری ساز و دهل می آرن [می آورند] و در کنار اون موسیقی موسیقی ی پاپ و حالا امروزی، پاپ و جاز، و این برنامه ها، اون [موسیقی ی] سنتی هم هست و مردم حلقه می گیرند دور هم دیگه و زن و مرد و پیر و جوان [جوان] و اینا [این ها] همه با هم می رقصند.

محسن: می رقصند! رقص بختیاری رقص خاصی؟

آزیتا: بله. چندین و چند چیز داره، چندین و چند قسمت داره؛ مثلاً من همه اش را بلد نیستم. مثلاً چوبی هست، سه پا هست، اسم بکیشون [یکی از آن ها] سه پاست [سه پا است]، بعد دیگه [دیگر] تستمال بازی هست.

محسن: بعد این رقص ها، تک نفره است یا گروهی [گروهی است]؟

آزیتا: بیشترشون [بیشتر شان/ بیشتر آن ها] حالا مثلاً چوب بازی، مثل یه بازی می مونه [می ماند] و گروهی [گروهی است]؛ دو نفر هستند تو این بازی که مثلاً چوب بازی می کنن [می کنند]، ولی خب مثلاً سه پا یا بقیه شون همه ی اون افرادی که تو عروسی هستن [هستند] یه حلقه ی خیلی بزرگ تشکیل می دند [می دهند] و همه ریتمیک با هم دیگه [دیگر] می رقصند؛ دست های هم رو می گیرند و می چرخند با هم دیگه، با اون ریتمی که اون نوازنده ها می زنند یه حرکات خاصی رو انجام می دند [می دهند].

محسن: با همون [همان] موسیقی سنتی؟

آزیتا: سنتی، بله!

محسن: آیا می شه [می شود] اون رقص بختیاری رو مثلاً با موسیقی های مدرن مثل موسیقی ی پاپ و این ها داشت؟

آزیتا: نه نمی شه، برای این که ریتماش [ریتم های شان] خاصه [خاص است]؛ حرکاتش خاصه؛ و اون جور که حلقه می گیرن [می گیرند] دور هم این ها، اون مخصوص همون موسیقیه [موسیقی است].

محسن: درست [درست است]. بعد، آیا لباس مخصوص هم دارین [دارید]؟ یعنی برای عروسی لباس مخصوصی هست؟ یا مثلاً مثل بقیه جاهای ایران یه بقیه جاهای دنیا کت و شلوار می پوشند؟ یا لباس محلی خاصی هست؟

آزیتا: نه الان که همه مثل جاهای دیگه ی ایران و دنیا لباس عروس سفیده [سفید است] و دوماد [داماد] کت شلوار و کراوات می کنه [تن خود می کند]؛ ولی خب مثلاً پنجاه سال پیش یا صد سال پیش این جور ی نبوده لباس های سنتی ی خودشون رو داشتن [داشتند] و لباس های محلی می پوشیدن [می پوشیدند] و دامن های قردار و رنگی و این ها بودش؛ ولی الان نه، همه دیگه مدرن شدن [شده اند] و ...

محسن: لباس ها همه لباس های مدرنه [مدرن است]!

آزیتا: بله!

محسن: بعد الان عروس و دوماد آخر بار که می خوان [می خواهند] برن [بروند] خونه ی خودشون، سوار ماشین می شن [می شوند] یا با یه [یک] آغی چیزی مثلاً مثل آسب ببخشید آسب... با یه آسب می زن [می روند]؟

آزیتا: سوار ماشین می شن [می شوند]، ولی خب قبلا ها این جوری بوده که سوار... دوما [داماد] سوار آسب می شده، می اومده [می آمده است] عروس رو سوار می کرده [می کرده است] و بعد می رفته [می رفته است].

محسن: یعنی الآن دیگه [دیگر] اون سنت اصلا مرده [مرده است]؛ همچین [همچنین] چیزی نیست؟

آزیتا: شاید توی دهات [ده ها] باشه، ولی نه توی شهر، زندگی های شهری و شهرستانی و این ها؛ فکر نکنم همچین چیزی باشه دیگه.

English translation:

Mohsen: Does Khuzestan¹ have a specific dance? Or does it have a specific music?

Azita: Yes, since there are different tribes in Khuzestan, each one has its own specific music. For example, we who are Bakhtiyaris have our own traditional music which is called *Toshmal*. Then *Saaz*...it is called...it has a *saaz* and a *dohol*. A *saaz* is something like, how should I say it, like a long bugle and there is *dohol* too which is a very large drum played with a piece of wood. That is both for weddings and for funerals. However, the music of weddings is different from funerals. Wedding songs are very happy, but songs in which players play for funerals, oh well, [they] are depressing and have elegies². In a lot of Bakhtiyari weddings, *saaz* and *dohol* are brought in and next to that pop music and other modern [music] such as pop and jazz and stuff like that; traditional music is played too. And people, men, women, old and young form a circle and everybody dances together.

Mohsen: Dance together! Is Bakhtiyari dancing a special dance?

Azita: Yes. It has some [specific] aspects; some different parts, for example, I don't know all of it. For instance, there is stick, there is *se-paa*³. The name of one of them is *se-paa*. Then, there is *dastmal baazi*⁴.

Mohsen: Then, are these dances for a person or for a group?

Azita: Most of them, such as *choob baazi*⁵, are like a game and are for a group. There are two people in this game who let's say are playing with sticks. But well, for *se-paa* or the rest of the dances, those who are attending the wedding make a big circle and people dance in rhythm, hold hands, go around, and with the rhythm that the musician plays, do special routines.

Mohsen: To that same traditional music?

Azita: Yes, it is traditional!

¹ A province in southwest Iran

² Poems of sorrow and loss are recited with them.

³ *Se-paa*: a type of dance; its name means "three feet."

⁴ *Dastmal baazi*: a type of dance; its name means "game of the handkerchiefs."

⁵ *Choob baazi*: a type of dance; its name means "game of sticks."

Mohsen: Is it possible to dance that Bakhtiyari dance to let's say modern music such as pop music, etc?

Azita: No, it's not possible since the rhythms of it are very specific, the routines are specific and the way they make a circle is specific to that music.

Mohsen: It's true. Then, does it have specific clothing? I mean is there a specific dress for weddings? Or for example like in the rest of Iran do they wear suits and pants? Or is there specific folk clothing?

Azita: No, nowadays like in the rest of Iran and the world, the bride's dress is white and the groom wears a suit and tie. But well, fifty or one hundred years ago, it wasn't like this and they had their own traditional folk clothing and wore folk dresses. There used to be pleated skirts and colorful ones, but not right now; everything has become modern.

Mohsen: All clothing is modern!

Azita: Yes!

Mohsen: Then, nowadays when a bride and a groom want to go to their own house, do they take a car or do they go with a mule—sorry, horse...a horse?

Azita: Take a car, but well it used to be that the groom would come on a horse and put the bride on the horse and then they would go.

Mohsen: You mean now that tradition has completely died off and such thing doesn't exist anymore?

Azita: Maybe it exists in villages, but not in a city—not in the lifestyles of the city and the provinces. I don't think such a thing exists.

About CultureTalk: CultureTalk is produced by the Five College Center for the Study of World Languages and housed on the LangMedia Website. The project provides students of language and culture with samples of people talking about their lives in the languages they use every day. The participants in CultureTalk interviews and discussions are of many different ages and walks of life. They are free to express themselves as they wish. The ideas and opinions presented here are those of the participants. Inclusion in CultureTalk does not represent endorsement of these ideas or opinions by the Five College Center for the Study of World Languages, Five Colleges, Incorporated, or any of its member institutions: Amherst College, Hampshire College, Mount Holyoke College, Smith College and the University of Massachusetts at Amherst.

© 2012 Five College Center for the Study of World Languages and Five Colleges, Incorporated